

پویاشناسی روایت محور محیط مسکونی تبیین جایگاه زمان در فرآیند تحول روایت ساکنین

هادی پندار (نویسنده مسئول)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۳

چکیده

انجام مطالعات رفتاری با تاکید بر نگاه استفاده کنندگان، نیازمند فهم تأثیر محیط بر انسان می‌باشد. برخی از این مطالعات حاکی از آن است که تأثیر محیط بر انسان از واکاوی روایت‌های شکل گرفته در ذهن آنها قابل دستیابی است. از آنجا که اغلب پژوهش‌ها ارزیابی ساکنین را به عنوان نتیجه بررسی کرده‌اند، در شکل‌دهی به نظریه‌های اثباتی و رهنمون طراحان و سیاستگذاران کالبدی در محیط‌های مسکونی چندان کارا نبوده‌اند. از این رو واکاوی ارزیابی ساکنین از فرآیندهای چرخه‌ای مرتبط با تغییر ابعاد کالبدی محیط مسکونی هدف اصلی این مطالعه است. این پژوهش به روش روایت‌شناسی شناختی از ذهنیات ساکنین انجام شد که همزمان با جمع‌آوری و تحلیل داده‌های عینی همراه گردید. بستر پژوهش محلات همت‌آباد و سادات از محلات قدیمی شهر بابلسر است که به ترتیب سرعت‌های کم و بالایی از تغییرات را طی سال‌های گذشته داشته‌اند. ۱۶ نفر از ساکنین اصیل محلات فوق به روش گلوله برفی تعیین شدند. به این منظور روایت‌های ساکنین به واسطه مصاحبه‌های عمیق دریافت شد. مقصد روایت و وسیله‌ی معناداری در ارتباط اجزا و ارکان تغییرات کالبدی در هر یک از واحدهای مطالعه تعیین شدند تا از تحلیل محتوای شاخص‌های دریافت شده، عناصر و فرآیند شکل‌گیری روایت ساکنین تبیین گردد. تحلیل داده‌های موردپژوهی حاکی از آن است که ساکنین محله همت‌آباد چرخه‌ی تغییرات کالبدی را توأمان در سطح محله و کوچه همراه با چرخه‌های تغییر ساختار اجتماعی و نظام طبیعی ادراک می‌کنند. اما در روایت ساکنین محله سادات که طی سال‌های گذشته تغییرات کالبدی بالاتری را از نظر فراوانی و شدت تجربه کرده‌اند، چرخه‌ی ساخت‌وساز در محور اصلی نقش پر رنگ‌تری بازی می‌کند. به منظور فهم و طبقه‌بندی علل و عوامل شکل‌دهنده به روایت ساکنین از تغییرات کالبدی و تکامل آن متناسب با ابعاد زمانی و مکانی، مدل مفهومی در بازسازی تجربه‌ی ساکنین در قالب روایت‌شناسی ارائه گردید. فرآیند تحول روایت ساکنین از سرعت‌های کم تا شرایط دگرگونی را می‌توان در قالب مدلی چرخه‌ای از دست‌کاری داستان منسجم، بازتعریف داستان مفهومی و تحول شرایط اولیه تا روایت از اختلال در تداوم تدریجی در شرایط پس از دگرگونی خلاصه نمود.

واژه‌های کلیدی:

محیط مسکونی، چرخه‌ی ساخت‌وساز، روایت‌شناسی، سرعت تغییرات، داستان منسجم، محله‌های بابلسر.

پرسش‌های پژوهش

۱. روایت شناختی ساکنین از تغییرات کالبدی بر اساس چه شاخص‌هایی شکل می‌گیرد؟
۲. تفاوت روایت ساکنین چه الزامات ماهوی و رویه‌ای را در فرآیند سیاست‌گذاری تغییرات کالبدی دارد؟

۱- مقدمه

تاکنون روش‌های متنوعی جهت دریافت تجربه‌ی استفاده کنندگان از محیط از روند تغییرات مورد استفاده قرار گرفته است. برخی از روش‌های کمی که به این منظور مورد استفاده قرار گرفته به دلیل فراوانی متغیرها از یک سو و ماهیت ذاتاً پیچیده‌شان از سوی دیگر فاقد کارایی جهت دریافت تجربه‌ی واقعی ساکنین می‌باشند.

تکنیک‌های ریخت‌شناسی، به مثابه‌ی ابزاری تحلیلی و جزء اصلی و ضروری طراحی شهری (Hall, 1993)، ارزیابی تغییرات تدریجی کالبدی را در ارتباط با تجربه‌ی روزانه ساکنین کمتر مورد توجه قرار داده‌اند. افراد همواره به مقایسه‌ی ارزش‌های شخصی خود با ارزش‌های کالبدی ادراک شده از محیط می‌پردازند و از طریق تأیید یا رد ارزش‌های معین از هویت خود اطمینان حاصل می‌کنند. (پندار، ۱۳۹۵) بنابراین انسان می‌تواند به واسطه‌ی توانایی ارزیابی دائمی خود از محیط و انطباق آن با شرایط کالبدی مرجع مناسبی برای فهم چرخه‌ی تغییرات قرار گیرد. یکی از پرسش‌های مطرح در این زمینه نحوه‌ی شکل‌گیری روایت شناختی ساکنین از چرخه‌ی تغییرات کالبدی می‌باشد. از سوی دیگر فهم فرآیند تغییرات، اعم از مثبت یا منفی، مستلزم بکارگیری زمان می‌باشند که چگونه به صورت پویا موجب تغییر و بازسازی مجدد چارچوب‌های مرجع^۱ در ذهن ساکنین می‌شوند.

بنابراین پرسش دوم در رابطه با نحوه‌ی تکامل چارچوب مرجع به تفکیک مکان‌های تشخیص داده شده در واکاوی روایت ساکنین و الزامات رویه‌ای و ماهوی آن در سیاست‌گذاری کالبدی می‌باشد.

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر قوم‌نگاری بوده است. به این پس از مرور مبانی نظری مرتبط با روایت‌شناسی و ابعاد مرتبط با چرخه‌ی تغییرات کالبدی چارچوب مفهومی مورد نظر پژوهش حاصل شد. چارچوب حاصل به عنوان مدلی جهت دریافت و تحلیل روایت واقعی ساکنین از دامنه و شدت تغییرات کالبدی در بستر مطالعات میدانی مورد استفاده قرار گرفته است.

مکان پژوهش نیز دو محله‌ی قدیمی شهر بابلسر بوده است. داده‌ها از طریق مصاحبه و مشاهده‌ی نظام‌مند و بررسی‌های اسنادی جمع‌آوری گردید. پویاشناسی عینی و ذهنی از اطلاعات فوق صورت گرفت. یافته‌های کیفی به روش قوم‌نگاری تحلیل گردید تا زمینه‌ی بحث و تبیین مدل نظری فراهم شود.

مقاله‌ی حاضر در شش بخش به دنبال پاسخ به سؤالات فوق بوده است. چارچوب نظری پژوهش را روایت‌شناسی شناختی و چرخه‌های زمان‌دار در ارتباط با تغییرات کالبدی شکل داده‌اند. بخش مورد پژوهی نیز به واکاوی داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق در دو محله‌ی مورد مطالعه پرداخته است. بحث در خصوص داده‌ها و پاسخ به سؤالات پژوهش محتوای بخش پنجم را شکل داده است. بخش آخر نیز در قالب نتیجه‌گیری به معرفی و تبیین مدل مفهومی ارزیابی ساکنین از چرخه‌های متوالی تغییرات کالبدی مبتنی بر روایت‌شناسی پرداخته است.

۲- دیدگاه‌های نظری

دیدگاه‌های نظری مرتبط با قوم‌نگاری به عنوان روشی جهت واکاوی ذهنیت ساکنین و چارچوب متشکل از بکارگیری روایت‌شناسی شناختی در ارتباط با تغییرات اجزای کالبدی و چرخه‌های زمانی مرتبط با آن‌ها محتوای این بخش را تشکیل می‌دهند. مدل استخراج از چارچوب فوق ضمن دسته‌بندی روایت‌ها امکان تحلیل‌های موردی در هر یک از سرعت‌ها و تحلیل‌های بین موردی را فراهم می‌نماید. مدل معرف چرخه‌های تغییر شاخص‌هایی را جهت تبیین پرسش‌نامه و ورود به مطالعات میدانی فراهم نمود.

۱-۲- روایت‌شناسی مبتنی بر قوم‌نگاری^۲

برونر^۳ روایت‌شناسی شناختی^۴ را یکی از دو راه شناخت جهان می‌داند و استدلال می‌کند که روایت فرد را قادر به ساخت واقعیت‌های اجتماعی می‌کند. (Bruner, 1986) به نقل از برکت و همکاران، (۱۳۹۱) به طور کلی این واژه را می‌توان به‌مثابه مطالعه جنبه‌های مربوط به ذهن تعریف کرد و این جنبه‌ها را در مقایسه با عوامل متعدد و متداعی با طرح و تفسیر روایت مورد مطالعه قرار داد. از میان این عوامل و فرآیندهایی که از طریق آنها روایت صورت می‌گیرد، می‌توان به تفسیر تغییرات بستر متناسب با آن روایت دست یافت. جدول شماره ۱ پیشینه‌ی روایت‌شناسی شناختی را نشان می‌دهد.

جدول ۱: پیشینه روایت‌شناسی شناختی، انطباق مفاهیم مرتبط با روایت با تغییرات کالبدی

نام پژوهشگر	توصیف روایت محور	ارتباط با تغییرات کالبدی
آر. اینگاردن (۱۹۷۳)	درک ساختارهای طرح‌واره‌ای به کار رفته در داستان‌ها نیاز به فعالیت شناختی خواننده دارند.	تغییرات کالبدی در طول زمان و صرفاً مبتنی بر روایت ساکنین کفایت نمی‌کند. بلکه نگاه کارشناسی مبتنی بر ریخت‌شناسی نیز مورد نیاز است.
م. مینسکی (۱۹۷۵)	بهتر است که هنگام مطالعه و بررسی قالب‌های روایی، آنها را به‌عنوان جنبه‌های مختلفی از فرایندهای شناختی واحدی در نظر بگیریم که از مدل‌های تفسیری پیش‌نمونه‌ای و از قبل تعیین شده استفاده می‌کنند تا موقعیت روایی جدیدی را درک کنند.	با بررسی جنبه‌های مختلف از فرآیند شناختی روایت محور می‌توان برای تکمیل نمودن زنجیره‌های فعالیتی و عملکردی مرتبط و یکپارچه با هم از فعالیت‌ها و عملکردهای مکمل بر ایجاد روایتی یکپارچه با روایت‌های مطرح شده تعیین نمود.
ام. اشترنبرگ (۱۹۷۸)	زمان داستان و زمان روایت آن تناظرهای زیادی وجود دارد. به نحوی که این تناظرات تجربه‌های خوانش متفاوتی را می‌توانند ایجاد کنند.	زمان رخداد پدیده‌های شهری و زمان روایت آن می‌تواند تناظرهای زیادی ایجاد کند. از این رو روایت‌های غیر متناظر با بستر مورد مطالعه می‌توانند بررسی لحاظ نگردد.
ام. پری (۱۹۷۹)	مقاله "داستان، چهارچوب و صحنه: ساحتی از نظریه طرح‌واره" بازنمایی صوری مکانیسم‌های شناختی هستند که برای تقسیم کردن داستان‌ها به واحدهای مختلف به کار گرفته می‌شوند.	روایت‌های یکسان و مرتبط از فضا در نظر ساکنین مختلف می‌توانند با یکدیگر گردآوری شده و سکانس یکپارچه‌ای از فضا را شکل دهد.
گ. کوک (۱۹۹۴)	روایت‌های ادبی به‌طور خاص در فرآیندهایی مانند بکارگیری، در هم شکستن و نو کردن چهارچوب‌ها شرکت دارند.	بسط، ساماندهی و حذف فرآیندهای فضایی شکل‌دهنده تغییرات در محیط مسکونی، چارچوب توسعه آن را شکل می‌دهد.
جان (۱۹۹۷)	یک جمله خاص ذهن شخصیت داستان را نشان می‌دهد یا تلقی راوی از جهان داستان است.	فعالیت‌ها و عملکردهای شکل‌دهنده به شدت تغییرات کالبدی می‌تواند برگرفته از تجارب، رفتار و فعالیت‌های خاص شکل گرفته در ذهن ساکنین باشد.

۲-۲- روایت‌شناسی و مطالعات ذهنی^۵

یکی از جذابیت‌های اصلی خواندن قصه و داستان آن است که ما را در ماجراها و احساس‌هایی درگیر می‌کند که از آن دیگری هستند و قسمتی از تجربه‌ی شخصی ما محسوب نمی‌شوند. عده‌ای از روایت‌شناسان پیشنهاد داده‌اند که به‌طور کل روایت‌ها را نباید برحسب زنجیره‌ای از رویدادهای به‌هم پیوسته تعریف کرد بلکه باید آنها را با توجه به فراقتنی تجربه‌های خودآگاه و شخصی به‌دست آمده از زندگی (خیالی) افراد معرفی کرد. از نظر ا. پالمر، درک یک داستان اساساً شامل دوباره‌سازی عملکرد ذهن شخصیت‌های آن داستان است که به ما این امکان را می‌دهد تا کنش‌ها و رویدادها را درک کنیم. (برکت و همکاران، ۱۳۹۱)

روایت‌شناسی شناختی را می‌توان به‌مثابه مطالعه جنبه‌های مربوط به ذهن در قصه‌گویی تعریف کرد. بنابراین تعریف روایت‌شناسی شناختی تعریف گسترده و وسیعی را دربرمی‌گیرد. به این ترتیب، می‌توان جنبه‌های مرتبط با ذهن را در مقایسه با عوامل متعدد و متداعی با طرح و تفسیر روایت مورد مطالعه قرار داد.

علاوه بر آن، تا آنجا که به عملکرد داستان مربوط می‌شود پیوند میان روایت و ذهن را می‌توان در دو بعد بررسی کرد:

۱) مقصد تفسیر

۲) وسیله معنادار کردن تجربه و منبعی که برای ساختار دهی و فهم جهان به کار می‌رود.

روایت‌شناسی شناختی روش‌های متعددی را برای تحلیل‌ها و پیکره‌های روایی متنوع در اختیار دارد. هرمن (۲۰۰۹) می‌گوید که اگر هدف از تحقیقات روایت‌شناسی یافتن پاسخ این سوال باشد که داستان‌ها چگونه تفسیر می‌شوند، مسئله اصلی برای روایت‌شناسی شناختی آن است که چه فرآیندهای شناختی درک روایی را پشتیبانی می‌کنند و به خواننده (بیننده یا شنونده) امکان می‌دهند تا از جهانی که داستان به‌وجود می‌آورد مدل ذهنی خود را بسازند. علاوه بر این سؤال‌هایی از این دست که چگونه روایت‌ها ابزاری برای معناسازی و شیوه‌ای برای ساختاردهی و درک موقعیت‌ها و رویدادها ایجاد می‌کنند نیز برای بسیاری از روایت‌شناسان شناختی جای سؤال و مسئله است و نیز این پرسش مطرح است که داستان‌ها دقیقاً چگونه به مثابه ابزاری برای اندیشیدن عمل می‌کنند. (هرمن، ۲۰۰۳ به نقل از برکت و همکاران، ۱۳۹۱)

۲-۳- لایه‌های زمان دار تغییرات کالبدی

تحلیل فضایی بافت‌های مسکونی شامل تحول درون و مداخلات، نیازمند بررسی میزان تعامل با ارزیابی مستمر

بنابراین یکی از راه‌های کشف لایه‌های زمانی از نگاه ساکنین، تحلیل تجارب و ارزیابی آنها در بسترهای تعریف شده‌ی زمانی است.

۲-۴- تبیین مدل مفهومی

افکاری که انسان در مورد مکان دارد، در برگیرنده ارزیابی‌هایی است که فراتر از شناسایی مکان یا صرفاً معانی متمایز کننده آن بوده و سبب استنباط‌هایی در مورد کیفیت مکان، کیفیت ساکنین یا معناهای ضمنی می‌شود. معنای ضمنی که در تجربه محیط و تغییر ادراک نقش دارند به مواردی چون ترجیحات عمومی، زمینه‌ها و تجربیات قبلی، سطح انطباق و اهمیت مکان برای ساکنین وابسته است.

ساختن مدل مفهومی برای انتظام بخشی به آنچه تاکنون در ارتباط با موضوع مورد نظر از مشاهدات و مطالعات اکتشافی بدست آمده، اجتناب‌ناپذیر است، تا بدین وسیله ما را به شناخت امر واقعی هدایت کند. (روحانی، پندار، ۱۳۹۵) در مدل مفهومی پیشنهادی مطالعه‌ی حاضر معیارها و شاخص‌های مرتبط با رویکرد روایت محور تغییرات کالبدی در اجزا و چرخه‌های شکل‌دهنده به آن‌ها مورد شناسایی قرار گرفته است. سپس وابستگی میان مفاهیم ذکر شده توسط راویان در سرعت کم، متوسط و بالا مورد بررسی قرار می‌گیرد تا در نهایت چارچوب مفهومی نظری پژوهش شکل گیرد. بر مبنای مطالعات و یافته‌های صورت گرفته، در نحوه ارتباط میان روایت‌شناسی شناختی و تغییرات کالبدی می‌توان معیارها و شاخص‌های زیر را متناسب با هر یک برگزید:

الف- معیارها و شاخص‌های روایت‌شناسی

شناختی: همانطور که در مبانی نظری عنوان گردید تا آنجا که به عملکرد داستان مربوط می‌شود پیوند میان روایت و ذهن را می‌توان در دو بعد بررسی کرد که می‌تواند در روایت‌های واقعی و غیر واقعی ساکنان از محیط دنبال شود:

۱) مقصد تفسیر

۲) وسیله معنادار کردن تجربه و منبعی که برای ساختاردهی و فهم جهان به کار می‌رود.

ب- معیارها و شاخص‌های چرخه‌ی تغییر: همانگونه

که در مبانی نظری بیان گردید عناصر ساختاری در تغییرات کالبدی شامل عناصر و چرخه‌ها می‌شوند که هر یک می‌توانند در تبیین مقصد و وسیله معناداری روایت‌ها دنبال گردند. با توجه به شناسایی معیارها، شاخص‌های مرتبط و شناسایی روابط آنها، مدل مفهومی مرتبط با رویکرد روایت محور و مشارکتی در چرخه‌ی تغییر کالبدی در نمودار ۲ نشان داده شده است.

ساکنین از تغییرات ریخت‌شناسانه در طول زمان می‌باشد. (Cao, 2015) به منظور شناسایی لایه‌های زمانی ارزیابی ساکنین باید چرخه‌های غالب تشخیص داده شده توسط آن‌ها را بازشناسی کرد. تاکنون دسته‌بندی‌هایی نیز از چرخه‌های زمان‌بندی شده صورت گرفته است.

چرخه پیشنهادی دافی مبتنی بر لایه‌های زمان‌دار به چرخه‌ی تغییر شکل گرفته است. بر اساس این چرخه، تغییرات لایه به لایه ساختمان‌های یک محیط مسکونی^{۱۱} توالی شش S هم در طرح و هم در ساختار رعایت می‌شود. شش S عبارتند از سایت^{۱۲}، ساختار^{۱۳}، سطح^{۱۴}، خدمات^{۱۵} و فضا^{۱۶} وی هفتمین S را که همان روحیه^{۱۱} انسانی است به آخر سلسله مراتب اضافه می‌کند^{۱۲} (Brand, 1994).

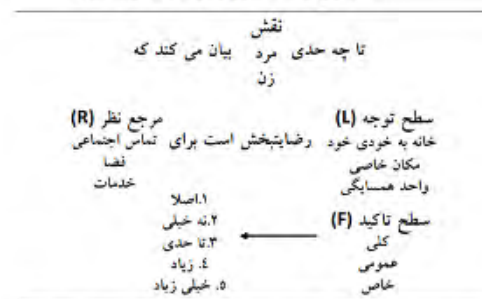
از سوی دیگر نظریه‌های روانشناسی محیطی در این نقطه مشترک‌اند که ارزیابی عاطفی از مکان در تجربه فرد از عناصر سازنده و کیفیت‌های آن مکان نقش مهمی دارد.

(Appleyard, 1979; Ittelson, 1973; Mehrabian and Russell, 1974; Russell and Snodgrass, in press; Ulrich, 1983, cited in Nasar, 2011).

دانش‌های مرتبط با طراحی محیط از جمله طراحی شهری لازم است تا خصوصیات کالبدی مکان که بر تصویر ارزیابانه مردم تأثیر می‌گذارد را بشناسند (Nasar, 2011).

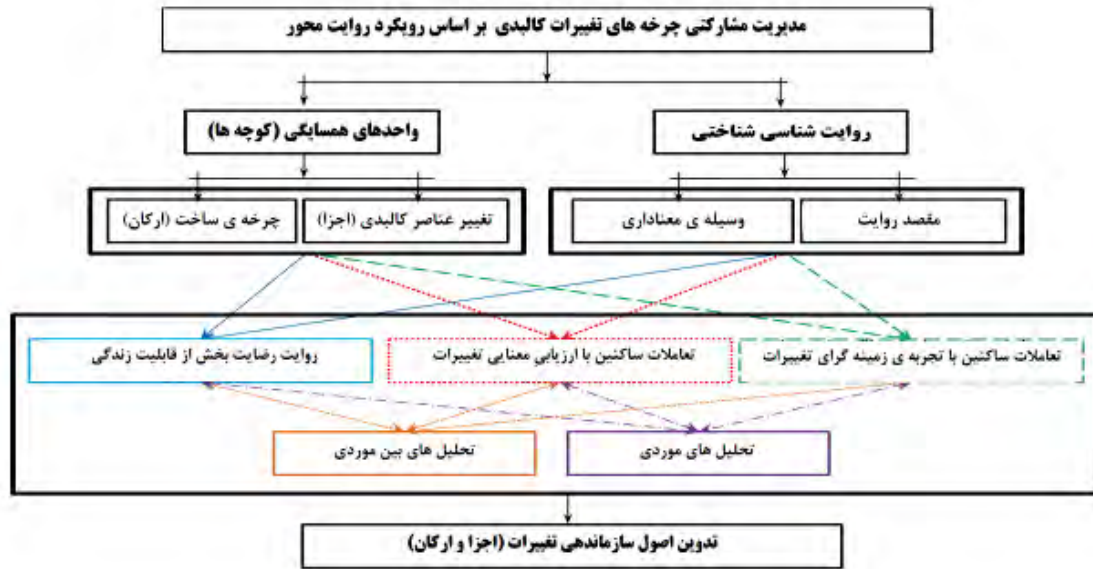
دیوید کانتز^{۱۳} نیز در جملات عمومی بر اساس سه مفهوم به ارزیابی هدفمند مکان از نگاه ساکنین در چرخه‌ای متشکل از سطح توجه^{۱۴}، تأکید^{۱۵} و مرجع نظر^{۱۶} می‌پردازد. ۱. سطح توجه شامل خانه، مکان و واحد همسایگی، ۲. سطح تأکید اعم از کلی، عمومی و خاص و ۳. مرجع نظر شامل تماس اجتماعی، فضا و خدمات است (Canter, 1983). به‌گونه‌ای که رضایت ساکنین از موضوعات خاص قابل تفکیک از رضایت عمومی از سکونت خواهد بود (نمودار ۱).

نقشه تبدیل بیان ساکنین به رضایت از سکونت



جایی که یک مالک یا ساکن در حال ارزیابی مکان است که زندگی می‌کند.

نمودار ۱. مدل کانتز از ارزیابی هدفمند مکان، منبع: (Canter, 1983)



نمودار ۲. مدل مفهومی بکارگیری رویکرد روایت محور در مدیریت مشارکتی چرخه های تغییرات کالبدی

۳- مورد پژوهی

۳-۱- شناخت بستر پژوهش

در این مطالعه دو محله ی همت آباد و سادات به علت ویژگی های اجتماعی و شکلی متفاوت و روندهای متفاوتی که از نظر تغییرات کالبدی به ویژه طی ۱۵ سال گذشته تجربه کرده اند، انتخاب شده اند (تصویر ۱). محله ی سادات محله در مرکز شهر و محله همت آباد واقع در جنوب شهر بابلسر محدوده های مورد مطالعه می باشند. این دو محله از

محلات عرفی و قدیمی شهر بابلسر هستند که در ارتباط با فقرات خطی و محوری شکل دهنده به کل محله در حال دگر دیسی می باشند. محور اصلی محله های فوق به ویژه سادات محله و کوچه های متصل به آن ها گونه های متنوعی از تغییرات کالبدی را تجربه کرده و می توانند به عنوان نمونه ی شاخص در خصوص تجربه سرعت های مختلف تغییرات کالبدی مورد مطالعه قرار گیرد.



الف- محلات سادات و همت آباد در شهر بابلسر



ج- محور اصلی محله ی همت آباد

ب- محور اصلی محله ی سادات

تصویر ۱. تدقیق مکان های پژوهش در شهر بابلسر و محلات مورد مطالعه

منجر به تغییر هویت کالبدی مبتنی بر خانه‌های ویلایی و حیاط‌دار طی سال‌های گذشته شده است (تصویر ۲). همت‌آباد نیز از محلات قدیمی شهر بابلرس است که به دلیل همجواری با رودخانه بابل رود ویژگی‌های خاصی دارد اما طی سال‌های اخیر رشد تدریجی و آرامی را سپری کرده است.



سادات محله به دلیل موقعیت جغرافیایی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی ساکنین‌اش اهمیت ویژه‌ای در شهر بابلرس طی سال‌های گذشته یافته است. افزایش قیمت ملک و زمین در این محله سرعت تخریب خانه‌ها، کسب درآمد از جریان تخریب و نوسازی و بلند مرتبه‌سازی را افزایش داده که



تصویر ۲. نمونه‌های از کوچه‌های با تغییرات کالبدی شدید در سادات محله (منبع: نگارنده)

محله منجر به خالی شدن آن از ساکنین اصیل و قدیمی نشده است.

البته کوچه‌هایی که هویت پیشین خود را تا حدودی حفظ کرده و روند تغییرات آرامی داشته‌اند هم هنوز وجود دارند (تصویر ۳). از سوی دیگر جریان‌های عیان سازی در این



تصویر ۳. نمونه‌های از تغییرات کالبدی با سرعت‌های کم و متوسط در محله‌ی همت‌آباد (منبع: نگارنده)

چرخه‌های قابل تشخیص، مجزا و در عین حال مرتبط با هم است.

به این منظور بر پایه روش روایت‌شناسی به واسطه‌ی مصاحبه و طرح سؤالات محرک روایت‌های ۱۶ نفر از محلات شهر بابلرس دریافت و تحلیل گردید تا مدل مفهومی قابل استفاده به تفکیک مراحل دگردیسی کالبدی از سرعت کم تا شرایط دگرگونی از آن حاصل گردد. اشباع نظری معیاری برای کفایت نمونه‌گیری بوده است^{۱۷} برای اعتبارسنجی یافته‌های روایت‌شناسی از سه قانون برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد: استفاده از منابع چندگانه، ایجاد یک پایگاه داده مطالعه‌ی موردی و حفظ یک زنجیره‌ی منطقی از شواهد که ارتباط میان سؤالات تحقیق، داده‌های گردآوری شده و نتایج گرفته شده را برقرار نمود. جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه و مشاهده‌ی نظام‌مند صورت گرفت.

۲-۳- روش انجام مطالعه

قیاس تجارب واقعی ساکنین با روایت و تلاش برای استخراج مفاهیم از آن زمینه‌ی اصلی مورد توجه پژوهش حاضر بوده است. نقد رویکردهای اثبات‌گرایانه که مستقل از ساختارهای ذهنی و نمادین و درونی به دنبال شرح و تبیین پدیده‌های مصنوع بوده، اهمیت روایت‌گری را به عنوان ابزار اتصال گذشته به حال و وارد ساختن زمان و تبیین‌های غیرخطی و چندعاملی در درک تغییرات کالبدی در محیط‌های مسکونی آشکار می‌سازد. به گونه‌ای که طراحان و سیاست‌گذاران کالبدی امکان بازسازی تجارب در رسیدن به فهمی مشترک از آن را پیدا کنند. شناخت نقطه‌ی آغازین درک وضعیت فعلی یک اجتماع بوده، که بایستی در یک بازه‌ی زمانی مشخص تدوین شود. دستیابی به تحلیلی تمرکز یافته برای مستندسازی حقایق پایه در ارتباط با روند تغییرات کالبدی مستلزم به کارگیری تجارب ساکنین از

اقامت حداقل ۱۵ ساله در محله (از این رو گروه‌های کودک و نوجوان به دلیل نیاز به روش‌های متفاوت جهت دریافت روایت‌های کودکانه انتخاب نشده‌اند) جهت دریافت اطلاعات در محله انتخاب شدند. این ویژگی‌ها در قالب جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های کمی پرسش شوندگان

جنس	همت آباد		سادات محله		گروه‌های سنی
	مرد	زن	مرد	زن	
۳۰-۱۸	۱	۱	۱	۱	۲
۳۰-۵۵	۱	۲	۱	۱	۴
۵۶-۷۰	۱	۱	۰	۱	۱

جدول ۳ معرف دسته‌بندی مکانی روایت‌های ساکنین است.

جدول ۳: دسته‌بندی مکانی روایت ساکنین (مأخذ: تحلیل نگارنده)

مکان	مقصد روایت	وسيله معناداری
	بخش غربی خیابان امیر مازندرانی	این محدوده بر اساس روایت ساکنین و مطالعات ریخت‌شناختی طی سال‌های گذشته سرعت بالای تغییرات کالبدی را به ویژه در لبه خیابان امیر مازندرانی تجربه کرده است.
سادات محله	کوچه ولیعصر ۲	این کوچه به واسطه ی تفکیک باغها و قطعات بزرگ نسبت به سال‌های گذشته دگرگون شده است اما وجود عناصری مانند باشگاه شهید اسماعیل زاده و معابر قدیمی کلیت آن را برای ساکنین قدیمی شناسا کرده است.
	بخش شرقی امیر مازندرانی	این بخش در لبه خیابان اصلی سرعتی متوسط تغییرات را داشته اما در بخش‌های درونی تغییرات مطابق روند طبیعی سایر محلات قدیمی شهر بابلسر و از سرعت نسبتاً کمی برخوردار بوده است.
	لبه رودخانه	به واسطه کشیده شدن خیابان آسفالت با عرض زیاد و وجود قطعات بزرگ جریان ساخت ساختمان‌های بلند در این بخش آغاز شده است و ساخت‌وساز نیز از سرعت بالایی برخوردار بوده است.
همت آباد	خیابان منتهی به جاده بابل- بابلسر	در این بخش از محله‌ی همت آباد به واسطه‌ی آپارتمان سازی و تعریض کوچه‌ها روند تغییرات سریعی در ذهن ساکنین برجای مانده است.
	خیابان اصلی محله	روند تغییرات کالبدی در راسته‌ی اصلی متوسط و در برخی بخش‌ها کند بوده است. تغییرات کالبدی با تغییر در کاربری‌ها و ایجاد لبه‌های فعال تجاری همراه بوده است.

مهمترین بخش جمع‌آوری داده به روش پرسش‌نامه راه، مصاحبه‌ی عمیق تشکیل می‌دهد که شامل سه مرحله بوده است: ۱- طرح چند سؤال بر اساس مفاهیم به عنوان نقطه‌ی عزیمت ۲- سؤالات مؤثر از پرسش‌های پژوهش و ۳- سؤالات مواجهه‌ای^{۱۸}. برای رعایت پایایی، مصاحبه‌ها در دو محله به‌طور موازی و مستقل از هم صورت گرفت و کدگذاری محتوایی شد تا از ثبات عبارات و موضوعات اصلی اطمینان حاصل شود. از این رو اعتبار نتیجه‌گیری نهایی در ارتباط با اهداف و پرسش‌های پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

۳-۳- انتخاب جامعه‌ی آماری

اطلاعات توصیفی به منظور کنترل متغیرهای اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های فردی در تحلیل نتایج و تعمیم آن‌ها دریافت گردید. این اطلاعات شامل ویژگی‌های پرسش شوندگان مانند سن، جنسیت، مالکیت و پیوستگی اقامت است. در این مطالعه به منظور کنترل این متغیر ساکنین با

۴-۱- پویاشناسی عینی تغییرات

در این بخش تغییرات کالبدی در قالب "اقدامات و طرح‌ها" و "تغییرات تدریجی" در هر یک از محلات مورد مطالعه استخراج شدند و بازخورد مردم از تغییرات کالبدی تدریجی روند موجود نیز به واسطه‌ی مصاحبه‌ی عمیق دریافت گردید (هاشمی، ۱۳۹۴). در این راستا در قالب

۴-۲- جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها:

جمع‌آوری اطلاعات عینی از بررسی طرح‌های اجرا شده و اسناد مرتبط با آنها در دو محله صورت گرفت. اطلاعات کیفی نیز به روش مصاحبه جمع‌آوری گردید. برای دستیابی به روایت‌ها در ارتباط با چرخه‌ی تغییرات و دسته‌بندی و جمع‌بندی آن‌ها ابتدا روایت‌ها بر اساس پرسش‌نامه‌ی تنظیم شده‌ای گردآوری شدند.

جدول ۴ داده‌های حاصل از مطالعه‌ی کارشناسی تغییرات در قالب پروژه‌های اجرایی آورده شده است.

جدول ۴: پروژه‌های تعریف شده در محلات و بازخورد مردم نسبت به آنها؛ مأخذ: تحلیل مصاحبه‌های مردمی

محلّه	تغییرات	نتایج حاصل از تغییر (تلفیق نگاه ساکنین و مشاهده‌ی نظام‌مند)
همت آباد	اقدامات و طرح‌ها	عدم استفاده از پارک به دلیل مکانیابی نامناسب، دسترسی دشوار. شروع بلند مرتبه‌سازی در محور رودخانه، از بین رفتن کریدورهای بصری و دید و منظر به رودخانه را سبب شده است. همچنین ورود غریبه‌ها به محلّه موجب کاهش روابط اجتماعی می‌شود.
	تغییرات تدریجی	عدم رضایت مردم از بلند مرتبه‌سازی در این محور به دلیل مشکلات ناشی از پارک اتومبیل اهالی این ساختمان‌ها و ورود افراد غریبه و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی با شروع هر یک از آن‌ها و در دوره‌ی ساخت. احداث پارک همت آباد علی‌رغم اینکه موجب افزایش حضور کودکان در پارک و ایجاد کانونی برای گپ و گفتگوی بانوان شده است، ولی بعلت عدم مکانیابی مناسب، حضورپذیری اقلّار مختلف کاهش یافته و به فضای بی‌دفاع تبدیل شده است.
سادات محلّه	اقدامات و طرح‌ها	استقبال اهالی از افزایش فروشگاه‌ها و واحدهای خرید روزانه بعلت پاسخوگی به نیازهای روزانه‌ی آنها. افزایش تراکم در محور موجب کاهش پیوندهای همسایگی، کاهش فعالیت‌های جمعی همسایگان شده است.
	تغییرات تدریجی	عدم بهره‌برداری از پارک توسط اهالی به علت عدم مکانیابی مناسب و عدم توجه به نوع نیاز اهالی
سادات محلّه	اقدامات و طرح‌ها	در صورت مساعد بودن هوا کودکان جهت ورزش‌های گروهی از آن استفاده می‌کنند. به علت جانمایی نامناسب و عدم سهولت دسترسی برای همه‌ی ساکنین، امکان استفاده از این فضا به صورت همه روزه وجود ندارد.
	تغییرات تدریجی	افزایش آپارتمان‌سازی موجب کاهش روابط همسایگی و تضعیف شبکه‌های اجتماعی شده است. هم چنین ورود افراد غریبه به محلّه امنیت اجتماعی را تضعیف نموده است و حس تعلق به محلّه در ساکنین کاهش یافته است.
سادات محلّه	اقدامات و طرح‌ها	احداث بوستان مهدیه
	تغییرات تدریجی	احداث زمین بازی برای کودکان
سادات محلّه	اقدامات و طرح‌ها	افزایش آپارتمان‌سازی
	تغییرات تدریجی	شروع ساخت‌وساز در اراضی باغی و بایر

۴-۲- پویاشناسی ذهنی از روایت شناسی

روایت واقعی ساکنین از تغییرات کالبدی و چرخه‌های مرتبط با آنها بر اساس چه شاخص‌های مکانی و زمانی شکل می‌گیرد؟

مرور مبانی نظری حاکی از آن است که بر اساس تجاربی که ساکنین در دوره‌های زمانی مختلف داشته‌اند، روایت‌های متفاوتی در ذهن آن‌ها شکل می‌گیرد. از این رو از ساکنین خواسته شد تغییرات را برای کسانی که محل زندگی آن‌ها را ندیده‌اند روایت کنند.^{۱۹} سپس نکاتی از روایت‌هایشان استخراج گردید که معرف محرک‌های تأثیرگذار از نظر آنها

بوده است. اگر چه برخی از نکات در سرعت‌های مختلف مشترک بوده‌اند، اما در سرعت‌های کم و متوسط این روایت‌ها جنبه‌ی داستانی و تا حدی نوستالژیک یافته‌اند. روایت ساکنینی که سرعت‌های بالای تغییر را تجربه کرده‌اند، بیشتر نتایج غیر متعارف جریان‌ات متأخر را در بر می‌گیرد. در شرایط دگرگون کالبدی هم روایت‌های شخصی از خانه و محلّه بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد کوچه به مثابه واحد همسایگی در این شرایط اهمیت پیشین خود را از دست داده است (جدول ۵ و ۶).

جدول ۵: روایت واقعی از نحوه تغییرات و ردیابی الگوهای مرجع از نگاه ساکنین در محله همت آباد

ردیف	روایت	کوچه ^{۲۰}	مقصد روایت	وسیله ی معناداری
۱.	دیگر فضاهای مختلف از هم قابل تشخیص نیستند، به ویژه شب‌ها که نور کافی هم وجود نداشته باشد. همه جا شبیه به هم شده و نمی‌تونم تشخیص بدم به چه فاصله‌ای از کوچه خودمون رسیدم.	الف	شبهات کالبدی	دشواری در تمایز به دلیل یکنواختی کالبدی
۲.	کوچه ما روز به روز از بقیه محله که دائماً در حال تغییره فاصله می‌گیره و این باعث شناخته‌تر شدنش می‌شه. بعضی‌ها این رو بد می‌دونن و احساس عقب افتادگی می‌کنند اما من فکر می‌کنم وقتی اطراف ساخته بشه و کوچه ما به همین صورت بمونه نشون می‌ده در اینجا آدم‌های اصیل‌تری هستند.	الف	تمایز کالبدی	تغییر کم عامل خاص‌تر شدن کوچه در کل محله
۳.	بعضی از خونه‌ها که مرمت می‌شن یا صاحبانشون یه دستی به ظاهرش می‌کشن به کل کوچه یه حال و هوای خوب و احساس تازگی می‌بخشن. به هر حال تغییر لازمه.	الف	لزوم تغییر	مرمت دائمی عامل سرزندگی
۴.	برای آدم‌هایی که زندگی در محله‌های قدیم رو تجربه نکردند و اون حال و هوا و درختان و روابط گرم همسایگی و محله‌ای رو درک نکردند این تغییرات کمتر منفی به نظر می‌یاد و برعکس به معنای پیشرفته‌تر شدن.	ب	تجارب پیشین	تفاوت در نگرش ساکنین اصیل به دلیل تجربه‌های نوستالژیک
۵.	الان بچه‌ها به زمین و خونه پدریشون به چشم سرمایه کسب و کار نگاه می‌کنند نه مکان زندگی با کیفیت در آینده	ب	اقتصاد مبتنی بر زمین	تبدیل شدن خانه پدری به سرمایه
۶.	خود همسایه‌ها نباید بگذارند که ساختمان‌ها یهویی تغییر کنه و چیزی از گذشته نمونه	ب	خود کنترلی	کنترل جمعی برابر تغییرات ناگهانی
۷.	وقتی تو محله می‌بینم که یک ساختمان چند سال طول می‌کشه، فکر می‌کنم تا آخر عمرم دیگه روی آرامش نمی‌بینم.	ج	عناصر تکرار ناپذیر	عوامل مزاحم در دوره ساخت
۸.	تکرار بعضی از اتفاقات مانند از بین رفت حیاط‌ها و شکل ساختمان‌های قدیمی اهمیتش رو کم کرد اما چیزهایی مانند قطع درختان قدیمی در زمین‌ها اصلاً از یادم نمی‌ره.	ج	تغییر مبتنی بر نیاز	عدم پذیرش نابودی عناصر غیر قابل تجدید
۹.	از وقتی ما بچه بودیم و یادم هست تا همین ۱۵-۲۰ سال پیش تغییرات خیلی کم و بر حسب ضرورت اتفاق می‌افتاد و معمولاً خونه‌ها تعمیر می‌شدند یا تو حیاط بخش‌هایی برای بچه‌ها اضافه می‌شدند که روی حساب و کتاب بود.	ج	الگوی کالبدی	تغییر الگوی تعمیر و الحاق به تخریب و بازسازی
۱۰.	در کوچه‌هایی که ساختمان‌های اولیه ارتفاع کمتری داشته و به حال و هوای بابل‌سری نزدیکتر بودند، ساخت‌وسازهای بعدی هم همین روند رو کمابیش دنبال کرده‌اند اما جاهایی که برج‌سازی شده دیگر هیچ ارزشی قابل قبول نبود.	د	تغییر ذهنیت	تغییر ذهنیت از مقیاس و تناسبیات
۱۱.	وقتی بخش‌های قدیمی‌تر عوض شدند سایر مناطق هم برای تغییر آماده‌تر شدند. البته منظورم ذهنیت ساکنین هست.	د	اهمیت دید و منظر	روایت روند تغییرات بر اساس کیفیت دیده‌های بیرونی
۱۲.	دید ساختمان‌های کوتاه اول مسدود می‌شه و بعد به تدریج دید در طبقات بالا هم توسط ساختمان‌های جدیدتر از بین می‌ره و این باعث رقابت می‌شه که زمین‌هایی مجاور نوسازهایی که احتمال کورشدنشان کم‌تره برای ساخت‌وساز مستعدتر می‌شن.	د	حرایم شخصی	از بین رفتن هویت با تسط برج‌ها
	محلیت با شروع آپارتمان‌سازی کم کم ضعیف شد و به نظر من تمام زمین‌های باقی مانده در آینده نزدیک برج می‌شن.			
	افرادی که در طبقات بالاتر زندگی می‌کنند کمتر به کوچه رفت و آمد دارن که حس بدی در آدم ایجاد می‌کنه.			کاهش برخوردهای رو در رو
	قبلاً کوچه جزو فضای شخصی مان محسوب می‌شد و نسبت به اون احساس مسوولیت و تعلق می‌کردیم.			از بین رفتن فضای نیمه خصوصی

جدول ۶: روایت واقعی از نحوه تغییرات و ردیابی الگوهای مرجع از نگاه ساکنین در سادات محله

ردیف	عبارت (تجربیات)	کوچه	مقصد روایت	وسيله‌ی معناداری
۱۳	تغییر با طرح‌های شهرداری شروع می‌شود. طرح‌هایی که اصلاً توجهی نمی‌کنند مردم چی می‌خوان و چه چیزهایی رو نمی‌خوان. بعد سازندگان تا اونجایی که از نظر اقتصادی به نفعشون باشه اون طرح‌ها رو مینای کارشون قرار می‌دن. به ویژه در سال‌های گذشته ضوابط شهرداری سازنده‌ها و ساکنین رو به فکر ساخت‌وساز انداخته و انگار به رقابتی ایجاد شده که همه سعی می‌کنن عقب نیفتن. این طرح‌ها تغییر رو به ما تحمیل می‌کنند بدون ارزشی برای خاطرات ما و حال و هوای بابلسری قائل بشن.	الف	ضوابط شهرسازی	اعتقاد به لزوم توجه به دریافت نظر ساکنین در ضوابط شهری و بازبینی در طرح‌ها به منظور کنترل انگیزه‌های اقتصادی
۱۴	ما شاهد بودیم که چطور کوچه‌های اطرافمون در مدت زمان کمی متحول شدند. یعنی وقتی ساخت‌وساز شروع می‌شه و کوچه محل رفت و آمد میشه، کم کم پیشنهادات برای خراب کردن و ساختن زیاد می‌شه و دیگه قابل کنترل نیست. به نظرم بعد از چند سال کوچه ما و بقیه کوچه‌هایی که هنوز دست نخورده موندن هم تغییر می‌کنن و اتفاقاً من فکر می‌کنم همشون تبدیل به برج بشن یعنی متفاوت تر از بقیه کوچه‌ها.	الف	شبیه سازی ذهنی	تصور آینده بر اساس آخرین و بدترین گونه از تغییرات
۱۵	بعضی وقت‌ها که قدیمی‌های بابلسر رو می‌بینم از ساکنین خانه‌های کوچه ما سول می‌کنند و خاطراتی از گذشته‌ها تعریف می‌کنند. انگار وقتی کوچه ما و در و دیوار رو می‌بینند خاطرات به ذهنشون میاد. روابط فامیلی رو روایت می‌کنند و بعد روابط همسایگی که بعضی موقع‌ها از فامیل هم به هم نزدیک تر بودند. انگار دقیقاً می‌دونند خونه‌ها کی و چطور ساخته شدند.	الف	کالبد مرجع خاطرات جمعی	تبدیل شدن کوچه‌های کمتر تغییر یافته به مکانی برای روایت از نحوه شکل‌گیری و تکامل در طول زمان
۱۶	تا جایی که من دیدم افرادی که در ابتدا تمایل به تخریب و نوسازی خانه‌هایشان داشتند حتی نسبت به بقیه، نارضایتی و ناکامی بیشتری از شرایط موجود دارند.	ب	جبریت ساخت وساز	شکل‌گیری احساس نامطلوب از تجربه شرایط بعد از تغییرات اساسی توجه به رفت و آمد مقدمه تغییر هویت مقایسه با شرایط قبل از شروع تغییر
۱۷	می‌بینم هر روز آدم‌های جدیدی میان و دوست دارن اینجا مشارکت کنن و بساز و بفروش راه بندازن وقتی کوچه‌های دیگه رو می‌بینم، می‌فهمم دل‌باز بودن و کم سر و صدا بودن نعمت بزرگیه از حدود ۸ سال پیش روند بدی در سادات محله شروع شد چرا که سابقاً ساختمان‌های کنار هم به هم احترام می‌گذاشتند و حقوق هم رو رعایت می‌کردند.	ج	ضوابط همجواری	روایت تغییرات از آغاز بی توجهی ارتفاع و کالبد بناهای نوساز به پیرامون
۱۸	کم کم طوری شده که وقتی رو بالکن یا حتی تو اتاق نشسته‌ای کلی پنجره دارن تماشای می‌کنن و از اونجایی که اون پنجره‌ها و آدم‌هاش رو نمی‌شناسم احساس ناامنی شدیدی می‌کنم.	ج	ضوابط همجواری	احساس ناامنی از اشراف پنجره ساختمان‌های نا آشنا
۱۹	با ساخته شدن ساختمان‌های جدید حیاط خونه‌های اصیل در محاصره دیوارهای سیمانی خفه شده‌اند.	ج	محرک‌های نوسازی	از بین رفتن فضای مثبت حیاط تسریع روند نوسازی بواسطه وجود باغات و زمین‌های خالی
۲۰	در محله ما بخاطر وجود زمین‌های بزرگ و خانه باغ‌های نیازی به تجمیع نبود و به همین دلیل تغییر راحت‌تر و سریع‌تر اتفاق افتاد چون مثلاً در محلات پایین خود تجمیع مانع نوسازی و پیشرفت محله‌ها شده است.	ج	تغییر کاربرد عناصر	از بین رفتن کیفیت پیاده روی به دلیل ازدحام افراد و ماشین‌ها نیاز به حیاط به عنوان مکان احساس خلوت
	از حدود ۱۵ سال پیش تعداد واحدها در خانه‌ها بیشتر و کوچکتر شده است. رفت و آمد ماشین‌ها هم بیشتر شده که دیگر پیاده روی در کوچه‌ها اون حال و هوای سابق رو نداره.			
	من فقط در حیاط خونه خودم می‌تونستم خلوت کنم اما الان دیگه نمی‌تونم چون هزار تا چشم منو می‌بینه			

فقدان مکان مناسب برای بازی	بچه‌ها جایی برای بازی ندارند و جایی برای تجربه با هم بودن و با دیگران بودن		
قابلیت تبدیل خانه‌های قبل به مکان عمومی در مناسبت‌ها	قبلاً خانه‌هایی که مجالس عمومی برپا می‌شد تقریباً به یک مکان عمومی و خاص تبدیل می‌شدند اما امروز روی پنجره‌ها پارچه می‌زنند و آدم احساس نمی‌کند دعوتی.	تغییر معنای عناصر	ج
رابطه حال و هوا با افزایش متوازن تناسبات کالبدی	مسجد و بعضی خانه‌های قدیمی با حال و هوای قدیم تناسب داشتند اما امروزه دیگه اون هماهنگی رو ندارند و به نظرم بایستی اون‌ها هم بزرگتر و به روزتر شوند.		
تغییر در تراکم به عنوان نقش اول روایت تغییرات	تغییر اساسی با دادن تراکم بالا شروع شد. تراکمی که برای کوچه‌های سادات محله اصلاً مناسب نبود و محله رو شبیه بقیه جاها کرد.	اقتصاد	د
سود اقتصادی عامل جبری تغییرات	درست زمانی که قیمت ملک در سادات محله زیاد شد انگیزه نوسازی و مشارکت افزایش پیدا کرد و ساخت‌وسازها یکی بعد از دیگری باعث تغییر محله شد و آنهایی که نیاز به خراب کردن خانه‌هاشون نداشتند هم دیگه چاره‌ای جز این نداشتند.	محرك	د
تبدیل شدن کل کوچه به الگو و محرك تغییرات بعدی	می‌تونم اینطوری بگم که وقتی یک کوچه کاملاً تغییر می‌کنه الگوی بقیه کوچه‌ها هم قرار می‌گیره. در سادات محله هم بعد از سال ۸۵ وقتی چند کوچه نوسازی شدیدی شد بقیه کوچه‌ها هم پشت سرش تغییر کردند و ساکنان هم مقاومت کمتری نشان دادند.	تغییرات دومینویی	د
از بین رفتن ارتباط توامان قطعات همجوار به هم و به فضای کوچه	سابقاً خانه‌ها دو طبقه بودند و هر دو طبقه با فضای کوچه و همسایه‌ها مرتبط بودند. ولی الان ارتباط هست ولی غیرمستقیم و از طریق پنجره‌ها به هم.	تغییر روابط	د

کدگذاری نظری و معرفی زمینه‌های اصلی: عبارات
 بیانگر مهمترین موضوعاتی‌اند که ساکنین از تغییرات روایت کرده‌اند. مقاصد تفسیر و وسیله‌ی معناداری کدگذاری و

جدول ۷: طبقات توصیفی از شاخص‌های ارزیابی عاطفی ساکنین

ردیف	وسيله‌ی معناداری موضوعات	تیپ	زمینه‌های اصلی
۱.	دشواری در تمایز به دلیل یکنواختی کالبدی، اعتقاد به لزوم توجه به دریافت نظر ساکنین در ضوابط شهری و بازبینی در طرح‌ها به منظور کنترل انگیزه‌های اقتصادی، تصور آینده براساس بدترین گونه از تغییرات، تبدیل شدن کوچه‌های کمتر تغییر یافته به مکانی برای روایت از نحوه شکل‌گیری و تکامل در طول زمان، تغییر کم عامل خاص‌تر شدن کوچه، مرمت دائمی عامل سرزندگی	الف	فرصت متمایز و شاخص شدن
۲.	تفاوت‌های نگرشی نسبت به تغییرات در ساکنین اصیل به دلیل تجربه‌های نوستالژیک، ماندن و تجربه شرایط بعد از تغییرات اساسی عامل تشدید ناراضی‌تی، نیاز به رابطه اجتماعی علاوه‌بر از بین رفتن شکل کالبدی آن، خودکنترلی برای حفظ ارزش‌ها در برابر پیشنهادات، طولانی بودن دوره ساخت و تشدید ناشی از تداخل عوامل مزاحم محیطی و بصری	ب	روایت از دگرگونی ارزش‌ها
۳.	خانه پدری به عنوان سرمایه نه مکان، سرمایه گذاری و کسب درآمد از کالبد خانه‌ها، مقایسه با شرایط بعد از تغییر و پر رنگ‌تر شدن ارزش‌های موجود، رفت و آمد و مذاکره سازندگان مقدمه تغییر و تهدید هویت	ب	روایت تغییرات بر مبنای انگیزه‌های اقتصادی
۴.	خو نگرفتن با نتیجه تغییرات بدلیل تضعیف محرمیت و فضای شخصی، تضعیف فرصت شخصی‌سازی درون خانه، فقدان مکان بازی و شکل‌گیری شخصیت بچه‌ها،	ج	روایت بر اساس تغییر رفتار

			کاهش اهمیت مکان برگزاری مناسبها در الگوی کالبدی جدید، اهمیت کیفیت‌های پیاده رهواری در روند تغییرات و ازدحام افراد و ماشین‌ها، نیاز به حیاط به عنوان مکان احساس خلوت
روایت بر اساس ادراک محرک‌ها	ج	۵.	اهمیت تناسب حجمی، سهولت نوسازی در زمین‌های خالی و سبز عامل تسریع روند تغییرات مطلوب، تغییرات کم در راستای تداوم حال و هوا در برابر تغییر اساسی با شروع برج‌سازی، تجربه و ادراک تغییر تدریجی، رابطه حال و هوا با افزایش متوازن تناسبات کالبدی، عدم پذیرش حذف عناصر غیر قابل تجدید عدم رعایت ضوابط همجواری در تقابل جدید و قدیم، حق ناشی از قدمت در تقابل
تقابل قدیم و جدید	ج	۶.	قدیمی و جدید، پذیرش الگوهای کالبدی جدید به دلیل تکرار، تغییر الگوی تعمیر و الحاق به تخریب و بازسازی، سرعت غیر منتظره تغییرات از ۲۰ سال پیش. از بین رفتن ارتباط توأمان قطعات همجوار به هم و به فضای کوچه، از بین رفتن قطعی هویت محلی با تسط برج‌ها بر کوچه‌ها، الگوی برج‌سازی نقطه آغاز محدودیت در تداوم شیوه‌های زندگی پیشین، از بین رفتن فضای نیمه خصوصی واحدهای همسایگی، قطع تداوم فضاهای شخصی به کوچه، کم شدن امکان تصمیم‌گیری‌های جمعی برای فضای کوچه، نگرانی از کم شدن برخوردهای رو در رو با ساکنان طبقات بالا.
اختلال در تداوم تدریجی	د	۷.	تغییر در تراکم به عنوان نقش اول روایت تغییرات، تبدیل شدن کل کوچه به الگو و محرک تغییرات بعدی، شکسته شدن ذهنیت ساکنین از حفظ مقیاس با تغییر کوچه‌های مرجع، اهمیت برخوردهای رو در رو در مقایسه با تجربه صرفاً بصری، از بین رفتن خانه پدری
شکل‌گیری داستان منسجم و تغییر روایت شخصی	د	۸.	

۵- بحث و تبیین مدل نظری

به منظور بحث در خصوص مدل مفهومی ابتدا زمینه‌های اصلی حاصل از استخراج اطلاعات از مصاحبه‌های کیفی تشریح می‌شود. تفسیر این مفاهیم توسط نگارنده با مصاحبه‌های اکتشافی مجدد از برخی از مصاحبه شونده‌ها همراه بوده است تا اعتبار موضوعات افزایش یابد.

۵-۱- فرصت متمایز و شاخص شدن (الف)

در روایت ساکنینی که تغییرات کالبدی را با سرعت و شدت کمی بیان کرده‌اند، توأمان بر جنبه‌های مثبت و منفی متمرکز می‌شود. در پرده اول از روایت این گروه از ساکنین، زمین و ارزش‌های اکولوژیک، محله و ارزش‌های اجتماعی پیشین در آن نقش محوری می‌یابند. (بیشتر در محله‌ی همت آباد) سپس جنبه‌های منفی مانند تضعیف تمایزهای مکانی و شباهت یکنواخت و خسته کننده فضاهای بیرون از کوچه و نگرانی از وقوع شدیدترین تغییرات و اثرات آن‌ها مانند برج‌سازی و بیگانه شدن با محیط مطرح می‌شوند. (بیشتر در سادات محله) اما در پرده دوم به متمایز شدن کوچه محل زندگی‌شان از سایر بخش‌ها به ویژه کوچه‌های اطراف که به سرعت تغییر کرده‌اند، اشاره می‌کنند. به بیان دیگر در این دسته از روایت‌ها تبدیل شدن محیط زندگی به الگوی برج‌ای مانده از هویت پیشین با احساس خوشایندی

روایت می‌شود. این تمایز به آن‌ها کلاس اجتماعی خاصی به عنوان ساکنین اولیه و ریشه‌دار در مکان هم می‌دهد. ضوابط و طرح‌های شهری نقش پر رنگی در داستان مفهومی و روایت این گروه از مصاحبه شونده‌ها داشته و شرایط حاصل از آن با تغییراتی که بر اساس نیاز واقعی ساکنین شکل می‌گرفته، مقایسه می‌شود. در این بین انتظار از تهیه کنندگان و مجریان طرح‌های شهری جهت دریافت نظر ساکنین حکایت از آمادگی بیشتر آنها جهت مشارکت فعالانه در تهیه طرح‌ها و تصمیمات مبتنی بر آن دارد.

۵-۲- روایت از دگرگونی ارزش‌ها (ب)

در روایت ساکنین در این گونه از کوچه‌ها نوعی از تمایز و اهمیت بیشتر برای ساکنین اصیل تر به واسطه سابقه سکونت وجود دارد. در روایت این گروه از مصاحبه شونده‌ها، نیاز به احساس مسئولیت خود افراد در اظهارات شان جهت حفظ ارزش‌ها قابل توجه است. از سوی دیگر روایت آنها با نوعی از حس نوستالژی و احساس مسئولیت مضاعف همراه است. از این رو تغییر ارزش‌های محیطی و تجربه آرامش قبل از سرعت گرفتن تغییرات را با اشاره به طولانی شدن دوره ساخت و تشدید عوامل مزاحم محیطی و بصری یاد می‌کنند. گویی در روایت این گروه از ساکنین که فاصله کمی تا تجربه محیط آرام و حداقل مزاحمت‌های محیطی

طول زمان می‌یابند، بر دریافت ساکنین از کیفیت‌های ادراک شده^{۲۱} تکیه دارند. در این راستا قالب‌های چارچوب مرجع^{۲۲} که به واسطه‌ی تجربه‌ی قبلی افراد شکل گرفته در قضاوت از متغیرهای محیطی اهمیت زیادی دارد. از آنجمله که تجربه‌های تاریخی به صورت فردی و اجتماعی نیز بسیار مهم‌اند، (Wohlwill, 1974; p: 136) و ارزش‌های بالای ادراکی که با معانی تاریخی تلفیق شده باشد، با رضایت از محیط زندگی نیز رابطه معناداری دارند، (Nasar, 1998) از این رو ادراک زیباشناسانه از تناسبات حجمی و زمینه‌های بصری مرتبط با ترجیحات زیباشناسانه مانند معانی تاریخی، نظم، تنوع و ترکیبی از سبک‌های عمومی در روایت این گروه مورد تأکید قرار می‌گیرد. علاوه بر آن افزایش متوازن نسبت‌های کالبدی در کل کوچه و فراتر از آن در سطح محله و تکاملی بودن تغییرات در یک روند تدریجی از دیگر موضوعاتی است که برای کسانی که سرعت بالاتری از تغییرات کالبدی را تجربه کرده‌اند، اهمیت یافته است. آنها اغلب زمین‌های خالی را به عنوان محرک نوسازی و تغییر شرایط اولیه را به عنوان عاملی مؤثر در جهت بخشی به روندهای بعدی به شمار می‌آورند.

۶-۵- تقابل قدیم و جدید (ج)

در برخی از روایت‌ها، مقایسه قدیم و جدید، هم در روندها و هم در نتایج تبدیل به موضوع اصلی می‌شود. گرایش و تمایل الگوهای تعمیر و الحاق به سمت تخریب و نوسازی و تغییر نگاه سازندگان و طراحان به حیاط به عنوان مکان خلوت را می‌توان از رویه‌های مطرح در تقابل قدیم و جدید به شمار آورد. ساکنین در این شرایط به دلیل تکرار بیشتر و بهتر پذیرای الگوهای کالبدی جدید می‌شوند، اما نه الگوهایی که موجب از بین رفتن ارزش‌های تکرار ناپذیر مانند پوشش گیاهی شده‌اند. از بین رفتن عناصر غیر قابل تجدید در پر رنگ شدن تقابل قدیم و جدید نزد ساکنین مؤثر بوده و در نتیجه سرعت بالای تغییرات را به طور جدی‌تری روایت می‌کنند.

۷-۵- اختلال در تداوم تدریجی (د)

مفهوم فضای کوچه در روایت ساکنین کوچه‌های دگرگون شده به عنوان بستر روابط همسایگی ظهور چندانی نداشته است. ساکنین در این شرایط الگوی برج‌سازی را نزدیک‌تر به خود احساس می‌کنند و گویی آن را پذیرفته‌اند چرا که به دلیل فقدان ارتباط قطعات همجوار به هم و به فضای کوچه در الگوی برج‌سازی، آن را به منزله اختلال در روابط اجتماعی و از بین برنده قطعی هویت محلی به شمار

ناشی از ساخت‌وساز داشته‌اند، تأکید بیشتری بر شروع اتفاقاتی نا متعارف و غیر منتظره شکل می‌گیرد. آنها حتی از شرایط پس از تغییر هم با ناکامی یاد می‌کنند و حفظ روابط اجتماعی پیشین را از عوامل تخفیف آلام خود می‌دانند. بنابراین می‌توان گفت ارزش‌های مکانی و اجتماعی که عامل کنترل سرعت و مانع از دگرگونی بوده در روایت این گروه از ساکنین نقش مهمی بازی می‌کند.

۳-۵- روایت تغییرات بر مبنای انگیزه‌های اقتصادی (ب)

برخی روایت‌ها از مفاهیم مرتبط با زمین و خانه حاکی از پر رنگ‌تر شدن، گرایش‌ات اقتصادی بوده است. از آنجا که جریان تغییر با اهداف اقتصادی شدت می‌گیرد، خانه‌سازی مبتنی بر سود اقتصادی و به اصطلاح بساز بفروشی محور توصیفات ساکنین قرار می‌گیرد و تغییر سایر مفاهیم بویژه مفاهیم اجتماعی نسبت به آن سنجیده می‌شود. حضور افرادی که با انگیزه‌های اقتصادی مترصد ایجاد تغییرات هستند نیز در روایت‌های ساکنین پر رنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر سرعت ساخت‌وساز و توالی آن‌ها مبنای بحث ساکنین و تلقی آن‌ها از تغییرات کالبدی می‌شود.

۴-۵- روایت بر اساس تغییر رفتار (ج)

تأثیر تحول کالبدی بر تغییر الگوهای رفتار اجتماعی از جمله موضوعاتی است که به‌طور ویژه در سرعت بالای تغییرات محور اصلی روایت ساکنین قرار می‌گیرد. تضعیف محرمیت از یک‌سو امکان وقوع رفتارهای نیازمند فضاهای شخصی و دور از دید ناظران غریبه مانند استفاده آزادانه‌ی خانواده از حیاط را به حداقل می‌رساند و از سوی دیگر محدود شدن فرصت‌های شخصی‌سازی فضا، از جمله موضوعات کلیدی است که در روایت ساکنین مطرح شده است. محدود شدن امکان وقوع رفتارهایی مانند پیاده‌روی آزادانه در مسیرهای خلوت و آرام، بازی کودکان در حیاط و فضای کوچه و برگزاری مراسم جمعی در مناسبت‌ها در الگوهای کالبدی جدید موضوع روایت ساکنین به شمار می‌آید. بنابراین سرعت تغییر اجباری رفتارهایی که وابسته به شکل کالبدی محیط زندگی و هندسه آن بوده‌اند در صدر توجه ساکنین قرار گرفته و به نظر می‌رسد عدم ماندگاری این رفتارها تلقی از سرعت تغییرات را افزایش می‌دهد. به‌طور کلی این‌گونه از روایت‌ها بیشتر بر نتایج تأکید دارند تا بر رویه‌ها و عوامل ایجاد آن‌ها.

۵-۵- روایت بر اساس ادراک محرک‌ها (ج)

برخی دیگر از روایت‌ها که در سرعت بالای تغییرات شکل می‌گیرند، با نگاه ارزیابانه‌ای که از محیط زندگی در

کالبدی کمتر بیان می‌شود اما در عین حال ساکنین در چنین شرایطی هم همچنان خواهان حفظ برخوردهای اجتماعی مبتنی بر برخوردهای رو در رو در مقایسه با تجربه صرفاً بصری از پنجره طبقات بالا هستند.

تحلیل داده‌های حاصل از استخراج روایت‌های مصاحبه شوندگان از تغییرات در سرعت‌های مختلف حاکی از آن است که در سرعت‌های کم تغییرات جنبه‌های مثبت و منفی به گونه‌ای مطرح می‌شوند که برآیند آنها آگاهی از تمایز با سایر بخش‌هاست. به نظر می‌رسد ساکنین در مجموع این تمایز را بیشتر به عنوان جنبه‌ی مثبت روایت می‌کنند. اما در سرعت‌های متوسط به بالا جنبه‌های منفی نقش پر رنگ‌تری می‌یابند. در کوچه‌های با سرعت بالای تغییر روایت ساکنین به طور کامل‌تری بر اساس جریان‌ات، وقایع و نمود شکلی آنها شکل می‌گیرد و جزییات بیشتری می‌یابد. از سوی دیگر در روایت ساکنین با سرعت بالا، بویژه در شرایط دگرگون شده، اهمیت ویژه‌ای به واحد مسکونی داده می‌شود. سرعت تغییرات کالبدی بیرون از واحدهای مسکونی را بر اساس تغییراتی که در ارتباط با واحد مسکونی ایجاد می‌کنند تشخیص می‌دهند؛ به عنوان مثال سرعت از بین رفتن منظر و سرعت افزایش واحدهای مسکونی.

با شروع تغییرات در روایت ساکنین از مفاهیم مرتبط با زمین و خانه، گرایش‌ات اقتصادی پر رنگ می‌شود. تأثیر تحول کالبدی بر تغییر الگوهای رفتار اجتماعی نیز از جمله موضوعاتی است که به‌طور ویژه در سرعت‌بالای تغییرات محور اصلی روایت ساکنین قرار می‌گیرد. بنابراین سرعت تغییر اجباری رفتارهایی که وابسته به شکل کالبدی محیط زندگی و هندسه آن بوده‌اند در صدر توجه ساکنین قرار گرفته و اغلب زمین‌های خالی را به عنوان محرک نوسازی به شمار می‌آورند. از بین رفتن عناصر غیر قابل تجدید در سرعت‌های بالای تغییر در پر رنگ‌تر شدن تقابل قدیم و جدید نزد ساکنین مؤثر بوده و در نتیجه سرعت بالای تغییرات را به طور جدی‌تری روایت می‌کنند. در شرایط پس از دگرگونی مفهوم فضای کوچه در روایت ساکنین به عنوان بستر روابط همسایگی ظهور چندانی نداشته که نشان از اختلال در تداوم تدریجی خاطرات و تجارب پیشین دارند. تصویر ساکنین از کوچه در این شرایط بیش از اجزای تشکیل دهنده آن، معطوف به کلیت می‌باشد. فرآیند روایت ساکنین از سرعت‌های کم تا شرایط دگرگونی بر اساس نمودار شماره‌ی ۳ قابل توضیح است؛

می‌آورند. عدم امکان تصمیمات جمعی و تداوم فعالیت‌های شخصی در کوچه که هم محصول و هم حاصل‌کاهش برخوردهای رو در رو ساکنان با یکدیگر بوده، از مهمترین موضوعاتی است که در روایت این گروه از ساکنین شنیده می‌شود. روایت‌هایی که نشان از اختلال در تداوم تدریجی خاطرات و تجارب پیشین دارند.

۵-۸- شکل‌گیری داستان منسجم و تغییر روایت شخصی (د)

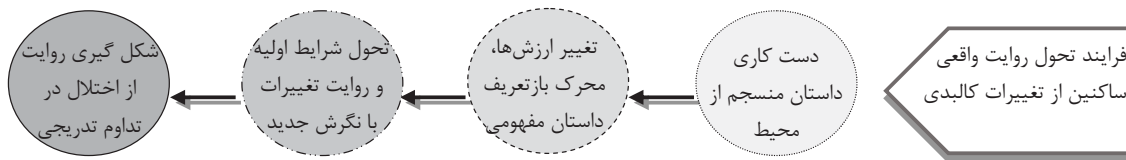
به نظر می‌رسد تثبیت تراکم بالا در کوچه‌های دگرگون شده نقش اصلی را در شکل‌گیری داستان منسجم و تغییر روایت شخصی ایفا می‌نماید. تصویر ساکنین از کوچه در این شرایط بیش از اجزای تشکیل دهنده‌ی آن معطوف به کلیت واحدی از جداره به جای خانه یا قطعه می‌شود. روایت از جداره کوچه به عنوان تداوم جداره‌ی خیابان نیز به چشم می‌خورد. از این رو در روایت‌های این گروه از ساکنین تبدیل شدن کلیت کوچه‌های تغییر یافته به الگویی برای سایر کوچه‌ها نیز جلب توجه می‌کند.

"می‌تونم اینطوری بگم که وقتی یک کوچه کاملاً تغییر می‌کنه الگوی بقیه کوچه‌ها هم قرار می‌گیره. در سادات محله هم بعد از سال ۸۵ وقتی چند کوچه نوسازی شدیدی شد بقیه کوچه‌ها هم پشت سرش تغییر کردند و ساکنان هم مقاومت کمتری نشان دادند."

تجربه ساکنین از برخی موضوعات مانند دید به بیرون، نقش محوری در روایت تغییرات ایفا نموده است. این تجربه که در دوران تغییر با سرعت بالا حاصل شده، پس از دگرگونی شکل کالبدی تبدیل به یک اصل برای روایت تغییر می‌شود:

"می‌تونم اینطوری بگم که دید ساختمان‌های کوتاه اول مسدود می‌شه و بعد به تدریج دید در واحدهایی که در طبقات بالا هم هستند هم به مرور توسط ساختمان‌های جدیدتر از بین می‌ره و این باعث رقابت می‌شه که زمین‌هایی که احتمال کورشدنشان کمتره سریعتر ساخته می‌شوند."

بنابراین در روایت این گروه از مشارکت کنندگان، تغییر تراکم و تغییر منظر از درون خانه رابطه قوی با هم پیدا می‌کنند. روایت‌های شبیه به هم و نسبتاً همگون ساکنین چنین کوچه‌هایی حاکی از کاهش موضوعات و متغیرهای قابل توجه در این شرایط است. به این معنی که در داستان منسجم جدید متغیرهای کمتری نقش بازی می‌کنند. دیگر از مفهوم خانه پدیری، نگرانی از ناهماهنگی در مقیاس



نمودار ۲. فرآیند تحول روایت ساکنین از تغییرات کالبدی از سرعت کم تا دگرگونی کالبدی، منبع: نگارنده

۶- نتیجه‌گیری

از بررسی نکات حاصل از مصاحبه‌ها چنین بر می‌آید که ادراک از سرعت تغییرات کالبدی رابطه مستقیمی با سرعت دگرگونی اجتماعی در همه سرعت‌ها به ویژه در سرعت‌های پایین‌تر داشته باشد. اگر چه شخصیت و پویایی یک بلوک خیابانی یا کوچه به اجزای محله ای گسترده تر وابسته است، (Brower, 1988) ساکنین در مقایسه با مکان‌های دورتر، با ابعاد اجتماعی بلوک ساختمانی خیابان خودشان احساسی عمیق‌تری داشته که با امنیت آمیخته شده می‌باشد.

با شکل‌گیری روایت شخصی از هویت محله برای ساکنین، محیط‌ها و رویدادهای خاص برای اتصال گذشته^{۲۳} به حال به کار می‌روند. همچنانکه ساکنین چنین اتصالاتی را برقرار می‌کنند، این محیط‌ها و رویدادها نقاط عطفی در روایت آنها درباره خودشان می‌شوند تا ارزش‌ها و زمینه‌های زندگی خود را تشریح کنند. از جهات مختلف، محیط‌ها و رویدادهای جاری در مکان این قابلیت را دارند تا برای خلق و بازآفرینی هویت‌های مکانی افراد به کار روند. (Aitken, 1992) بنابراین می‌توان گفت ساکنین از چگونگی و چرایی تغییر محله‌شان و نحوه تغییر آن دارای فهم محیطی^{۲۴} می‌شوند که در فرایند هویت‌یابی آنها در مکان مؤثر است. در روایت ساکنینی که سرعت‌های پایین تغییرات کالبدی را تجربه کرده‌اند، متمایز شدن کوچه محل زندگی

پی‌نوشت

1. Referential Framwork
2. Ethnography Based Narration
3. Bruner
4. Cognitive Narration
5. Subjective
6. Site
7. Structure
8. Skin
9. Services
10. Space
11. Human Soul
12. Francis Duffy, "Measuring Building Performance,"
13. David Canter
14. Level
15. Focus
16. Referential Idea

۱۷. اطمینان از آن است که اطلاعات جدیدی که به تعریف خصوصیات طبقات کمک کند به پژوهش وارد نمی‌شود.

۱۸. نظریه‌ها و روابطی که مصاحبه‌شونده نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد و پرسش‌کننده را به یک سری نظریه می‌رساند.

۱۹. سایر سؤالات مصاحبه عمیق عبارت‌اند از:
۲۰. تغییراتی که در کوچه محل زندگی خودتان و سایر کوچه‌ها رخ می‌دهند را چگونه توصیف می‌کنید؟
۲۱. چه چیزهایی موجب تفاوت خانه و کوچه‌ی محل زندگی شما با سایر خانه‌ها و کوچه‌ها می‌شده است؟
۲۲. چه چیزهایی موجب تفاوت محله‌ی شما از سایر محلات می‌شده است؟ آیا تفاوت‌های خاصی هم بین خود و محلات مجاور وجود داشته است که آن را متمایز کند؟
۲۳. آیا می‌توانید تغییراتی که طی ۲۰ سال گذشته در ارتباط با شکل و فرم کوچه و ساختمان‌هایش رخ داده را به صورت ساده بیان کنید؟
۲۴. آیا دوره‌های زمانی یا مکان‌های خاصی وجود دارند که وقتی با خودتان در مورد گذشته‌ی اینجا فکر می‌کنید، برایتان مهم‌تر باشند؟
۲۵. الف- تغییرات کم، ب- تغییرات متوسط، ج- تغییرات زیاد و د- دگرگونی کالبدی

26. PREQ: Perceived Residential Environment Quality

27. Frames of Reference

28. Heritage Narratives

29. Environmental Knowing

30. Professor Assistant of Mazandaran University. h_pendar@sbu.ac.ir

فهرست منابع:

- استبرگ، رابرت (۱۳۹۱). روانشناسی شناختی، مترجم: سیدکمال، خرازی، و الهه، حجازی، تهران: انتشارات سمت؛ پژوهشکده علوم شناختی.
- برکت، بهزاد؛ روشن، بلقیس؛ محمد ابراهیمی، زینب و اردبیلی، لیلا (۱۳۹۱). روایت شناسی شناختی (کاربست نظریه آمیختگی مفهومی بر قصه‌های عامیانه ایرانی)، ادب پژوهی، دوره ۶، شماره ۲۱، صص. ۳۱-۹.
- پندار، هادی (۱۳۹۵). تبیین چارچوب نظری دریافت ارزیابی ساکنین از سرعت تغییرات کالبدی بر اساس معیار رضایت‌مندی، پایان‌نامه دکتری طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی.
- روحانی، محسن و پندار، هادی (۱۳۹۵). بکارگیری رویکرد روایت محور و مشارکتی در برنامه‌ریزی و طراحی منظر نواحی رودکناری، نمونه موردی: رودخانه سیاهرود شهر قائم شهر، دومین همایش ملی منظر، دانشگاه شهید بهشتی. تهران: ایران.
- نورطقانی، ع؛ فریدنی، س و پوردیهیمی، ش (۱۳۹۲). هویت و مسکن؛ بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنین و محیط مسکونی. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱.
- هاشمی، مانده (۱۳۹۴). پایان‌نامه کارشناسی استفاده از سرمایه‌ی اجتماعی در محلات شهر بابلسر به منظور کنترل تغییرات کالبدی. استاد راهنما: هادی پندار، دانشگاه مازندران.
- Aitken S.C., (1992). The Personal Contexts of Neighborhood Change, *Journal of Architectural and Planning Research*, pp. 338-360.
- Brand S., *Shearing Layers*, from Brand S., (1994). *How Buildings Age: What Happens After They are Built*, Penguin Books, Harmondsworth, pp. 12-23.
- Brower S., (1988). *Design in Familiar Places: What Makes Home Environments Looks Good*, Praeger, New York.
- Cao X.J., (2015). How does Neighborhood Design Affect Life Satisfaction? Evidence from Twin Cities, *Travel Behaviour and Society*.
- Davoudi S., (2012). Resilience: A Bridging Concept or a Dead End? *Planning Theory& practice*, Vol. 2, pp. 299-333.
- Gunderson L. and Holling C., (2002). *Panarchy: Understanding Transformations in Human and Natural Systems*, Island Press, Washington, DC.
- Hall A.C., (1993). *Design Control: Toward a New Approach*, Butterworth-Heinemann Ltd, London.
- Hall A.C., (2000). A New Paradigm for Development Plans, *Urban Design International*, Vol. 5, pp. 123-140.
- Herman D., (2007). Nonfactivity, Tellability, and Narrativity, Presentation for a Workshop on "Events, Eventfulness, and Tellability" Sponsored by the University of Hamburg's Interdisciplinary Centre for Narratology and the University of Ghent; Ghent, Belgium.
- Hoffmann Scott L., (2008). Application of Resiliency Theory and Adaptive Cycles as a Framework for Evaluating Change in Amenity Transition Communities, *All Graduate Theses and Dissertations*, Paper 57.
- Holling C., (2001). Understanding the Complexity of Economic, Ecological, and Social Systems, *Ecosystems*, Vol. 4, pp. 390-405. Available at: <http://www.tsa.gov/assets/pdf>.
- Källtorp O., et al., (Eds.) (1997). *Social and Symbolic Change of Urban Space. Cities in Transformation - Transformation in Cities*, Aldershot.
- Nasar J., (1998). *The Evaluative Image of the Environment*, London, Sage Publication.
- *Environmental Psychology and Urban Design*. Banerjee (1997). Tridib. Anastasia Loukaitou-Sideris (Ed), Companion to Urban Design, London, Routledge, pp. 162-174.
- Russell J.A.A., (1980). Circumplex Model of Affect, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 39, pp. 1161-1178.
- Russell J.A. & Pratt G., (1980). A Description of the Affective Quality Attributed to Environments, *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 38, pp. 311-322.

- Russell A.L. & Ulrich F.U., (1984). Adaptation Level and Affective Appraisal of Environments, Vol. 4, pp. 119-135.
- Thomas Murry R., (1999). Recent Theories of Human Development, Sage Publication Inc.
- Wolhwill J.F., (1974). Human Adaptation to Levels of Environmental Stimulation, Journal of Human Ecology, Vol. 2, No. 2, pp. 127-147.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی